



Der Bolschewik, Ölgemälde von [Boris Kustodijew](#) (1920)

۱۹۱۷ – ۲۰۱۷

صدمین سالگشت

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه

بشریت نیازمند اکتبر نوینی است!

ترجمه و تکثیر <یکی از فعالین چپ در وین - اتریش >

**Kontakt: Iran-Rat, Amerlinghaus, Stiftgasse 8, A-1070 wien –
Österreich / email:linksaktivist@gmx.at**

۲۰۱۷ - ۱۹۱۷

صدمین سالگشت

انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر در روسیه بشریت نیازمند اکتبر نوینی است!

در هفتم نوامبر (۱) ۱۹۱۷ غرش توپ‌های ناوشکن آورورا (Aurora) بر کاخ زمستانی تزار - محل نشست دولت بورژوازی - دوران نوینی را در تاریخ جهان به صدادر آورد:
عصر انقلابات پرولتری تحت رهبری پرولتاریا علیه امپریالیسم!

طوفانی که کارگران و دهقانان در موقدرت بورژوازی همراه با غرش توپ‌های «آورورا» بپا کردند، هجومی علیه پایه‌های فئودال امپریالیسم روسیه بود. برای اولین بار در تاریخ بشریت، مرکز قدرت دولت بورژوازی توسط یک قیام مسلحانه تحت رهبری حزب کمونیست - بلشویکی، درهم‌شکسته می‌شد و حاکمیت زحمتکشانش، دیکتاتوری پرولتاریا برقرار می‌گردید. در نتیجه انقلاب اکتبر در روسیه، برخوابه‌های مناسبات گذشته و در جنگ سخت داخلی علیه ارتجاعی که از طرف دولت‌های امپریالیستی، بشدت حمایت میشد، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متولد شد.

یک ششم کره زمین از چنگال استثمار امپریالیستی آزاد شد و سرخ شد! از هفتم نوامبر ستاره سرخ برفراز کرملین به نشانه رهائی و راه انقلاب جهانی پرولتاریائی برای تمامی فرودستان، استثمار و سرکوب‌شدگان روی زمین به درخشش درآمد، ستاره سرخی که راهنمای پارتیزانها و ارتش سرخ در نابودی فاشیسم هیتلری بود.

ستاره سرخ دهها سال بعد جلا و درخشش خود را با قدرت‌گیری کامل رویونیست‌ها از دست داد و دیکتاتوری نوین بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها جایگزین دیکتاتوری پرولتاریا گردید. ولی این چرخش نافی این حقیقت نیست که: **۷ نوامبر ۱۹۱۷ برای تمامی بشریت یک واقعه استثنائی و برای آینده انسانیت یک تاریخ راهنماست.** بورژوازی همه کشورها تمامی کوشش خود را بکار گرفته و میگیرند تا خاطره این روز بزرگ پیروزمند پرولتاریای روسیه را بدست فراموشی بسپارند و مورد افتراء قرار دهند. در مقابل تمامی کارگران آگاه به منافع طبقاتی، و زحمتکشانش که دیگر وضعیت موجود را بر نمی‌تابند، بمناسبت صدمین سالگشت انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر این روز را گرامی داشته و مبارزات خود را علیه بربریت امپریالیستی دوچندان می‌کنند. آنها آموزش‌های راهبردی انقلاب اکتبر را اساس حرکت خود قرار داده و با تکیه به آنها این دگرگونی عظیم را که توسط رویونیست‌های ضدانقلابی به کجراه کشانده شد، ارج نهاده و راه اکتبر را ادامه می‌دهند.

انقلاب اکتبر: فراخوانی به قیام علیه وضع موجود

حال ببینیم وضعیت جهان بویژه روسیه قبل از انقلاب اکتبر چگونه بود؟ در این زمان جهان امپریالیسم درگیری از خونین‌ترین جنگهای تاریخ دنیا، جنگ جهانی اول بود. جنگی که بنام دفاع از "کشورپدري"، "شرف"، "استقلال" و نیز بنام "خدا"، و غیره توجیه

میشد ولی این جنگ چیزی جز سلاخی خلقها برای تجدید تقسیم جدید جهان توسط قدرت‌های بزرگ نبود. همه‌جا خلقها غرق گرسنگی، تباهی، مرگ و آوارگی و کشتار توده‌ای بودند، تاثیر تبلیغات میهن پرستانه - ناسیونالیستی بورژوازی در طول سالهای سخت جنگ تاثیر خود را از دست میدادند. کارگران و زحمتکشانی که بزور به لباس نظامی ملبس شده بودند هرچه بیشتر به این واقعیت پی می‌بردند، که از آنها بمثابه گوشت دم توپ، جهت برآورد منافع آزمندان بورژوازی استفاده می‌شود.

بلشویکها بیش از پیش این واقعیت مسلم را که: جنگ جاری جنگی امپریالیستی است در مغز زحمتکشان می‌نشانند و اینکه در هر کشور امپریالیستی دشمن اصلی، بورژوازی خودی است و کسی که خواهان صلح است باید قبل از هر چیز علیه بورژوازی خودی مبارزه نماید، اسلحه را بطرف او نشانه رفته و قدرت بورژوازی را در یک انقلاب مسلحانه درهم شکند و اینکه تنها راه تامین صلحی عادلانه و پایدار انقلاب است و هر چیزی غیر از این، حرفی پوچ و مهملی رفرمیستی است.

انقلاب اکتبر بعد از سرنگونی تزار و دولت هشت‌ماهه بورژوازی کرنسکی (Kerenski) را سرنگون کرد، دولتی که بعد از کسب قدرت به شرکت روسیه در سلاخی جهانی تحت نام دفاع از انقلاب همچنان پایبند بود.

اولین فرمان قدرت شوراهای نوین، "مصوبه درباره صلح" بود که در آن پایان جنگ را از طرف روسیه بعنوان یکی از طرفین درگیری اعلام می‌کرد و کارگران و زحمتکشان تمامی ملل در جبهه‌های جنگ را به قطع عملیات نظامی و برادری فرای سنگرهای جنگ دعوت می‌نمود و تمامی قراردادهای محرمانه تزارها و بورژوازی روسیه را با همه قدرت‌های امپریالیستی علنی و نیز دولت‌های بورژوازی درگیر جنگ را به ترک مخاصمه و آغاز فوری مذاکرات بدون هیچگونه الحاق طلبی فرامی‌خواند. انقلاب در روسیه به تمامی سربازان کشورهای دیگر نشان داد: صلح از کانال انقلاب علیه بورژوازی خودی امکان پذیر است. انقلاب اکتبر فراخوانی به صلح، فراخوانی برای انقلاب مسلحانه علیه وضع موجود بود.

کارگران و زحمتکشان امروز در سال ۲۰۱۷ با چه وضعیتی روبرو هستند؟

امروزه در تمامی نقاط جهان بنام آزادی، دموکراسی و حفاظت از شیوه زندگی غربی، بنام استقلال، به بهانه مبارزه علیه تروریسم، بنام خدا و غیره جنگ‌های استعماری در جریان است. قدرت تخریبی اسلحه‌هایی که امروزه بکار گرفته می‌شوند چندین برابر صد سال پیش است و میلیونها انسان را مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان کرده است. در یکطرف سرمایه هنگفتی از کالا انباشت شده است که توسط زحمتکشان تولید می‌شود، و در طرف دیگر همانند گذشته "سرنوشت" اجتناب ناپذیر، گرسنگی و فقر میلیاردها انسان را در خود تنیده است، در حالیکه کمتر از یک درصد از جمعیت کل جهان بیش از نیمی از مجموع ثروت را صاحب است. اضافه بر آن نابودی جابرانه شرایط زندگی و تخریب محیط زیست که مسبب واقعی آن تولید بی‌رحمانه سرمایه‌داری است، بشدت ادامه دارد.

این وضعیت دلیل کافی برای استنثارشدگان و سرکوبشدگان است که امروز بیش از گذشته به ندای انقلاب اکتبر جواب دهند: علیه وضع موجود بپاخیزید! چون تغییرات واقعی تنها از طریق انقلاب پرولتاریائی امکان‌پذیر است.

انقلاب اکتبر: تمامی حقوق به کارگران و زحمتکشان

" نظام شوروی حداکثر دمکراتیسم برای کارگران و دهقانان است و درعین حال دال برگسست با دمکراتیسم بورژوائی و پیدایش طراز نوین جهانی تاریخی دمکراسی یعنی دمکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریا است. بگذار سگان و خوکان بورژوازی محتضر و دمکراسی خرده بورژوائی که از دنبال این بورژوازی می‌رود بخاطر ناکامی‌ها و اشتباهات مرتکبه در امر ساختمان نظام شوروی ما بارانی از لعنت و دشنام بر سر ما ببارند. ما دقیقه‌ای فراموش نمی‌کنیم که ناکامی‌ها و اشتباهات ما واقعاً زیاد بود و زیاد است و اصولاً مگر می‌شود که در چنین امر تازه‌ای که برای تاریخ جهان تازه است یعنی در امر ایجاد ترانز تاکنون نادیده سازمان دولتی بدون ناکامی و اشتباه عمل کرد! ما پیوسته در راه اصلاح ناکامی‌ها و اشتباهات خودمان و بهبود انطباق عملی اصول شوروی، انطباقی که بسیار و بسیار از حد کمال دور است، مبارزه خواهیم کرد. ولی ما حق داریم بخود ببالیم و می‌بالیم که سعادت شروع ساختمان دولت شوروی و بدینوسیله شروع دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه نوین که در کلیه کشورهای سرمایه‌داری ستمکش است و همه جا بسوی زندگی نوین، بسوی پیروزی بر بورژوازی بسوی دیکتاتوری پرولتاریا، بسوی خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگ‌های امپریالیستی گام برمی‌دارد، نصیب ما شده است." (۲)

اولین فرمان حاکمیت شوراها سلب مالکیت از سرمایه‌بزرگ و زمینداران کلان بود. دیکتاتوری پرولتاری تولید اجتماعی را بدست گرفت، و علیه نظام استثمار کهن نشانه رفت و کوشش‌های کودتاگرانه حامیان نظم گذشته را سرسختانه و با خشونت سرکوب کرد.

دیکتاتوری پرولتاریا همزمان دمکراسی وسیعی را برای زحمتکشان تامین نمود. آنها خود را در شوراها کارگران، سربازان و دهقانان سازماندهی نمودند و ساختمان کشور را تحت شرایط سخت جنگ داخلی و مداخله نظامی امپریالیست‌ها آغاز کردند.

سازماندهی دمکراتیک و اشتراکی انسانهای کارکن در تمامی سطوح جامعه و مداخله مستقیم آنها در سازماندهی تولید و تغییر انقلابی و دمکراتیک جامعه، برابری زنان و مبارزه علیه پدرسالاری (Patriachate)، حق داشتن شش ساعت کار در روز، امنیت کاری، مرخصی کافی، امکانات تفریحی و استراحت، تحصیلات تخصصی و شایسته، دادگستری مردمی، هنر برای همه، تامین حقوق کودکان و تربیت جمعی آنها، رفع نیازهای پزشکی، اجتماعی کردن کار خانگی، دامن زدن به بحث‌های دمکراتیک سیاسی و اجتماعی - درست در سالهای ۱۹۳۰ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دربرآورد مسائل ضروری روز جامعه، کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را پشت‌سر گذاشته بود.

تامین احتیاجات مادی و معنوی انسانهای زحمتکش - هدف اساسی در سیاست بود. طبیعی است که عقب ماندگی کشور روسیه نمی توانست با یک ضربه از میان برداشته شود، بعنوان مثال مسئله مسکن در سال ۱۹۳۰ هنوز یک مشکل بزرگ بود. ولی سرعت توسعه، و راندمان سازندگی، سطح بالای زندگی تا کنونی انسانها، برتری جامعه سوسیالیستی را اثبات می کند.

بورژوازی در تبلیغات نفرت انگیزش علیه سوسیالیسم در شوروی درست این دست آوردها را پنهان نگه میدارد چون برای آنها جوابی ندارد. بهمین دلیل وظیفه دوچندانی در مقابل کمونیست ها قرار می گیرد که دانش های بدست آمده در باره قدرت سازندگی و تجارب گوناگون حاصل از آنها در راه ایجاد یک جامعه نوین در اختیار توده ها قرار دهند. کارگران و زحمتکشان در جامعه کنونی سرمایه داری بهیچ وجه به آنچه هست راضی نیستند، و در راه پیدا کردن بدیل، با انبوهی از تحریکات رسانه ای و تبلیغات بورژوازی روبرویند که مغز و قلب آنها را پوک و کدر کرده است. بهمین خاطر ضرورت بحث در باره انقلاب روسیه و تبیین تجارب آن چه مثبت و یا منفی، برای ایجاد یک جامعه نوین کمال اهمیت را دارد.

انقلاب اکتبر: برابری کامل تمامی ملل

انقلاب اکتبر در روسیه که زندان خلقها بود، برای رهائی ملت های دربند، انترناسیونالیسم پرولتاریائی را جایگزین ملی گرائی و عظمت طلبی بورژوازی نمود و بدینگونه یک تغییر دوران ساز را آغاز کرد. درست در اولین روز انقلاب "حق برابر برای تمامی ملل" و حق ملت ها "برای تعیین سرنوشت خویش تا حق جدائی" اعلام شد. اتحاد شوروی اولین کشوری بود که در آن خلقها با انتخابی آزادانه در یک اتحادیه جمهوری های متساوی الحقوق و نواحی خودمختار در کنار هم قرار گرفتند. فنلاند در یک همه پرسی همگانی به جدائی دولتی رای داد و دولت بلشویکی هم آنها را بدون اما و اگر پذیرفت. در زندگی روزانه هم تمامی ملت ها در استفاده از زبان و فرهنگ خودی آزاد بودند و با راسیسم، عظمت طلبی و یهودی ستیزی فعالانه مبارزه می شد. انقلاب اکتبر در عمل نشان داد که سوسیالیسم تنها بدیل واقعی راسیسم - شووینیسم و بربریت امپریالیسم است. انقلاب اکتبر اثبات کرد که حل واقعی مسئله ملی تنها از طریق انقلاب پرولتری امکان پذیر است. او همچنین نشان داد که "حق تساوی ملل تا زمانیکه سرمایه حاکم است و تا زمانیکه مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برقرار است و تا زمانیکه طبقات وجود دارند. نمی تواند تضمین گردد، تساوی ملل همانقدر امکان ناپذیر است، مانند همکاری توده های کارگر ملیت های مختلف، تا زمانیکه قدرت سرمایه برقرار است، و بر سر مالکیت بر ابزار تولید مبارزه در جریان است (۳) یک تجربه روز-آمد و مهم دیگر انقلاب اکتبر این است که مبارزه رهائی بخش ملی زمانی به رهائی واقعی منتهی خواهد شد که هدایت سیاسی آن در دست طبقه کارگر باشد، در غیر این صورت سپردن قدم به قدم دست آوردهای مبارزاتی به بورژوازی اجتناب ناپذیر خواهد بود. تکامل سالهای ۵۰ - ۶۰ - ۷۰ قرن گذشته کشورهای آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا و رهائی آنها

از سلطه امپریالیسم این حقیقت را کاملاً اثبات نمود، و بار دیگر با توجه به مبارزات گسترده ملی در جهان مسئله‌ای کاملاً روزآمد شده‌است.

انقلاب اکتبر: روشنگری بجای ارتجاع مذهبی

دین "آه انسان نا امید، قلب دنیای بی قلب، احساس شرایط بیروح است، دین افیون مردم" است (۴) که از طرف بورژوازی همانند گذشته با مهارت علیه طبقه کارگر و خلقها بکار گرفته می‌شود و آنها را توسط دین ومذاهب علیه همدیگر تحریک می‌کنند. امروزه گروه‌های متعصب مذهبی اسلامی، مانند دولت اسلامی (IS)، طالبان (Taliban) القاعده (Al Qaida) الشباب (die jugend) وغیره توسط امپریالیست‌های گوناگون بعنوان "دشمن بشریت"، "دشمن ارزش‌های انسانی (غربی) شیوه زندگی وفرهنگ معرفی می‌شوند. تمامی امپریالیست‌ها چه غربی وچه شرقی جنگ‌هایشان را بخاطر تقسیم مجدد جهان بنام مبارزه با " تروریست‌های ضد بشر اسلامی" به پیش می‌برند. درحالیکه این سازمانها در نهایت محصول سیاست‌های امپریالیستی هستند که خلقها را به انقیاد کشیده ودر رقابت با دیگر امپریالیست‌ها سازمانهای مذهبی - ملی "آزادبخش" می‌سازند ویا مورد پشتیبانی قرار می‌دهند. بعنوان مثال القاعده از جمله این سازمانهاست که هنگام اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم روس، توسط امپریالیسم آمریکا وسیا (CIA) ساخته و پرداخته شد. دولت اسلامی که امروز بعنوان یک سازمان اهریمنی تبلیغ می‌شود در طول اشغال عراق توسط امپریالیست‌های غربی شکل گرفت، و فرقی ترور آن با ترور امپریالیست‌ها تنها در بکارگیری ابزار ترور است. دین و تعلق مذهبی یک عامل پیوند مبارزاتی علیه اشغالگری، انقیاد و بردگی است. **"دین احساس دنیای بی‌قلب است"** که **"در آن انسانهای نا امید خود را باز می‌یابند"** اگر در ابتدا چنین سازمانهای مذهبی مستقیماً توسط امپریالیست‌ها بعنوان ابزار کار ساخته و پرداخته می‌شوند، زمانی هم خود را از کنترل مستقیم خارج می‌کنند. واگر هم تحت کنترل مستقیم نباشند از آنها استفاده ابزاری برای دست زدن به جنگ‌های غارتگرانه نواستعماری می‌کنند، همانطوریکه اکنون در سوریه، عراق، مالی، کنیا وغیره از این گروهها بهره برداری می‌کنند. بعبارت دیگر مبارزه امپریالیست‌ها علیه تعصب‌گرایی مذهبی، چیزی جز عوام‌فریبی نیست.

انقلاب اکتبر در عمل نشان داد، که چگونه می‌توان علیه ارتجاع مذهبی مبارزه کرد. دولت پرولتاریائی بعد از انقلاب اکتبر دین را بمثابة امری خصوصی اعلام کرد و تبلیغات روشنگرانه علیه عملکرد واقعی دین سازماندهی نمود وبا نهادهای مذهبی فعالانه مبارزه کرد و از طرف دیگر کوشش نمود از درگیری وسرکوب مذاهب مختلف علیه یکدیگر جلوگیری نماید وبدین سان از دعوای مذهبی که مانعی برای همزیستی مسالمت‌آمیز خلقها بود اجتناب گردید. همانطور که انقلاب اکتبر ثابت نمود، حل واقعی مسئله ملی توسط انقلاب برهبری پرولتاریا میسر است، در مورد مسئله مذهب هم جدائی واقعی دین ازدولت را عملی کرد که تا آنموقع هیچ دولت بورژوائی موفق به این کار نشده بود چون این عمل با نظام استثمارش در تضاد است. دولت بورژوازی مذهب را بمثابة امر خصوصی فرد تعریف نمود. **"مذهب یا بی‌حقوقی زنان یا ستمگری نسبت به ملیت‌های غیر روس و**

نابرابری حقوقی آنها را در نظر بگیرید. همه اینها مسائل مربوط به انقلاب بورژوا دمکراتیک است فرومایگان دمکراسی خرده‌بورژوازی هشت ماه درباره این مطالب پرگویی می‌کردند، حتی یک کشور راقی جهانی نیست که این مسائل در آن در جهت بورژوا دمکراتیک تا آخر حل شده باشد. در کشور ما این مسائل بوسیله قانون‌گذاری انقلاب اکتبر تا آخر حل شده‌است. ما با مذهب چنانچه که باید و شاید مبارزه کرده‌ایم و می‌کنیم. (۵).

انقلاب اکتبر: نقش تعیین‌کننده حزب بلشویکی

برای اینکه بربریت امپریالیستی از نظر تاریخی دفن شود، تحقق انقلاب پرولتری و بنای ساختمان سوسیالیسم امری کاملاً ضروری است، امروزه مهمترین وظیفه، ایجاد یک حزب واقعی مارکسیست - لنینیستی و درحقیقت بلشویکی است که بتواند کارگران و زحمتکشان را تحت رهبری خویش متحد نماید. پیش شرط اساسی انقلاب اکتبر این امر مهم بود که طبقه کارگر در این انقلاب توسط حزبی کمونیستی رهبری می‌شد. "تنها حزبی مانند بلشویکی به اندازه کافی جسور، قادر بود مردم را به حمله نهانی رهبری نماید، حزبی با اندازه کافی با تدبیر و هشیار که تمام قلعه‌های سر راه را دور بزند - تنها چنین حزبی می‌توانست با مهارت لازم جنبش‌های گوناگون را در یک جریان واحد متحد نماید، جنبش دمکراتیک عمومی برای صلح، جنبش دمکراتیک دهقانی برای تصرف زمین از زمینداران، جنبش - رهائی بخش خلق‌های تحت‌ستم جهت کسب برابری ملی و جنبش سوسیالیستی پرولتاریا برای سرنگونی بورژوازی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا." (۶)

طبیعی است که چنین حزبی در اکتبر ۱۹۱۷ از آسمان نازل نشد. این حزب در نبرد بین‌المللی علیه رفرمیسم، آشتی طبقاتی و تکیه زندگان بر سنت فرصت‌طلبی پارلمانتاریسم انترناسیونال دوم، بعنوان پیشاهنگ طبقه‌کارگرایجاد شد. این حزب در انقلاب، در مبارزه طبقه کارگر در روسیه تکامل یافت و آبدیده گردید. این حزب حاصل کار آگاهانه مارکسیست‌های بود که جنبش کارگری را با سوسیالیسم علمی تلفیق نمودند. این حزب جایی بنا شد که طبقه کارگر در آنجا حیات داشت: در تولید و در کارخانجات، ساختار سازمانی آن در سلول‌های کارگاه‌های تولیدی مستقر بود، آنطوری که شایسته یک حزب طبقه‌کارگر است. این حزب میلیون‌ها توده کارگر را با تئوری انقلابی و علمی مارکسیستی مسلح نمود و به مواضع انقلابی هدایت کرد. این حزب با یک خط سیاسی روشن توانست هماهنگ با نبض توده‌ها آنها را همواره در انقلاب و ساختمان سوسیالیسم برهبری دیکتاتوری پرولتاریا بدرستی راهنمایی کرده و خود را با آنها کاملاً پیوند زند.

امروز در صدمین سالگشت انقلاب اکتبر، فقدان احزابی که درون طبقه‌کارگر پایه داشته باشند و لازمه پیروزی انقلاب جهانی پرولتاریائی است، کاملاً مشهود است. امر آزادی پرولتاریا تمامی مارکسیست - لنینیست‌ها را در سرتاسر جهان در برابر این وظیفه مبرم قرار می‌دهد، از آنجائیکه چنین احزابی موجود نیستند و یا اگر هستند نسبتاً ضعیف‌اند احزابی

از نوع بلشویکی لنین و استالین بنا نمایند. هم‌اکنون نیز احزاب کمونیست ضروری‌اند برای اینکه بتوان با هیاهوی ایدئولوژیک بورژوازی "پایان کمونیسم" مقابله نمود، توده‌های کارگر و زحمتکش را به نفع کمونیسم جلب کرد و برای اکتبر جدیدی به پیش رفت!

ضعف جنبش مارکسیست-لنینیستی باعث شده‌است که جوانان زیادی که "جویای دنیای دیگری" هستند، امید خود را در جنبش‌های ملی-بورژوائی جستجو نمایند، بخشی هم حتی "سوسیالیسم قرن ۲۱" را بنام دین موعظه می‌کنند، و آنهایی هم که تمامی امید خود را جهت نابودی سرمایه‌داری از دست داده‌اند، بنام دمکراسی، حقوق بشر و ارزشهای غربی بدنبال امپریالیست‌های خودی لنگ لنگان روانند.

از طرف دیگر: از آنجائیکه امپریالیسم بیش از گذشته، جهانی عمل می‌کند و سرمایه مالی بیش از گذشته گسترش جهانی یافته است و تعرض امپریالیست‌ها علیه طبقه کارگر و خلقهای تحت‌تسم دایم در حال افزایش است، شرایط عینی جهت اتحاد توده‌های کارگر و زحمتکش با خواهران و برادران هم‌طبقاتیشان فرای مرزهای ملی و دولتی بیش از گذشته فراهم است. امروزه آنچه که به شرایط عینی سوسیالیسم و کمونیسم مربوط می‌شود، این درک قوت می‌گیرد که در جهان امروز بطور عینی این امکان وجود دارد که یک اقتصاد واحد جهانی بوجود آید، که در آن تمامی انسانها برپایه استعدادهایشان سهم خود را ادا نمایند و همگی بنا به احتیاجشان از ثروت فراهم شده بهره‌مند گردند. ما باید تنها از صاحبان ابزار تولید سلب مالکیت نمایم و در اختیار جامعه که صاحب اصلی آن است قرار دهیم. ما باید تمامی ابزار تولید کلیدی را اشتراکی کرده و استثمار را ناممکن گردانیم. خلاصه اینکه: استثمارشدگان و سرکوبشدگان کاری راکه از انقلاب اکتبر آغاز شد سر مشق قرارداد و مبارزه را ادامه دهند. با وجود اینکه شرایط عینی برای انقلاب مناسب است، ولی اکثریت بزرگی از توده‌های کارگر و زحمتکش طبق منافع خود عمل نمی‌کنند، بنابراین وظیفه کمونیست‌هاست که عنصر ذهنی را به سطح امکانات عینی ارتقاء دهند. در تمامی کشورها باید مارکسیست-لنینیست‌ها و همچنین سازمانها، پیگیرانه در جهت ایجاد احزاب کمونیستی حرکت نمایند و با تبلیغ و ترویج خستگی‌ناپذیر کارگران و زحمتکشانشان را تحت پرچم کمونیستی متحد کرده و در زمینه بین‌المللی برای اتحاد تمامی نیروهای انقلابی براساس یک منشور مارکسیستی-لنینیستی مبارزه نمایند! این وظیفه اساسی و میرم روز است! بموازات آن یگانه کردن مبارزات عملی سازمانهای انقلابی و کمونیستی کاملاً ضروری است. یکی از ظرف‌های عملی همکاری در شرایط کنونی سازمانهای مارکسیستی-لنینیستی، تشکل‌های انقلابی و احزاب (ICOR) > هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمانهای انقلابی< است که در سال ۲۰۱۰ تأسیس شده‌است.

بربریت امپریالیستی با اکتبر نوینی بزباله‌دان تاریخ انداخته خواهد شد.

آموزش‌های اکتبر!

بدیل موجود همانند گذشته : **سوسیالیسم یا سقوط در بربریت است!** از پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ تا کنون تغییرات زیادی صورت گرفته است. امپریالیسم با وجود شکست در اکتبر سرخ و پیروزی خلقها در جنگ جهانی دوم درهم شکسته نشد. با از دست رفتن دست‌آوردهای انقلاب، رویزونیست‌ها، تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های بورژوا شده در کشورهای سابق شوروی و دمکراسی‌های خلقی، از جمله چین، قدرت را دوباره بدست گرفتند. امروزه هیچ کشوری که بتوان نام سوسیالیستی و یا حاکمیت خلقی بر آن نهاد، موجود نیست. سرمایه‌داری همانند قبل از جنگ جهانی اول دوباره در تمامی جهان حاکم است و این نظام خود را از آنچه که تصور می‌شد مقاوم و جان‌سخت‌تر نشان داده‌است. تجارب صدسال اخیر حاکی از آن است که چیرگی بر سرمایه‌داری امپریالیستی از طریق اصلاحات کاملاً خیالی خام است، بورژوازی اگر قدرت خود را در خطر ببیند به فاشیسم متوسل می‌شود. گسترش شعاع عمل و جهانی شدن سرمایه در صد سال اخیر بطور چشم‌گیری افزایش یافته و انحصار بی‌اندازه منسجم‌تر شده است ولی ماهیت امپریالیسم تغییری نکرده‌است. تضادهای اصلی نظام همچنان تاثیر گذارند و روز بروز شدت می‌یابند.

مثل سابق دولت‌های ملی شکل اصلی سازماندهی جوامع سرمایه‌داری‌اند. همانند گذشته انحصار جهانی تعیین کننده در بخش صنعت، کشاورزی و یا خدمات است. همانند گذشته انحصارهای مختلف برای دستیابی به بازار امپریالیستی مشغول رقابت‌اند. مثل گذشته یکایک کشورهای امپریالیستی در ائتلاف‌های مختلف جهت پیشبرد منافع بورژوازی خودی در حال رقابت با یکدیگرند، همانند گذشته قدرت‌های بزرگ بخاطر تحمیل برتری خود بر جهان در حال جدالند. مثل گذشته ما در دوران امپریالیسم که تنها بدیل آن انقلاب جهانی پرولتری یعنی سوسیالیسم است زندگی می‌کنیم. امپریالیسم یعنی راسیسم، عظمت‌طلبی و ارتجاع و مردسالاری، استثمار بیرحمانه و غارت طبیعت. امپریالیسم یعنی بی‌آیندگی برای جوانان زحمتکش، چپاول بی حد و مرز طبیعت و طمع کسب سود مافوق که باعث تخریب محیط زیست شده و جهان را به مرز تغییرات جوی فاجعه‌باری کشانده‌است.

تمامی اینها نشان می‌دهد: امپریالیسم بربریت است و اگر از طریق یک انقلاب تحت رهبری پرولتاریا از آن جلوگیری نشود جهان را به بربریت سوق خواهد داد. انقلاب اکتبر علیه تمامیت نظام امپریالیستی و تنها بدیل بربریت آن است. انقلاب برهبری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم انتخاب ماست. این واقعیت‌ها می‌بایست در صدمین سالگشت انقلاب اکتبر در مرکز تبلیغات ما قرار گیرد و برای آنها مبارزه شود. ما را موظف می‌کند هر چه بیشتر مصمم، آگاه و متشکل مبارزه نماییم!

پیش بسوی مبارزه سوسیالیستی علیه بربریت امپریالیستی! – با نمونه بلشویکی احزاب

کمونیستی را سازماندهی کنیم! پیش بسوی اکتبری جدید!

پیش بسوی انقلاب سوسیالیستی جهانی!

یا انقلاب اکتبر نوینی یا سقوط در بربریت امپریالیستی!

کره زمین سرخ خواهد شد! وین - ۳/۳/۲۰۱

درج، چاپ و نشر این مقاله با ذکر نام و منبع آن آزاد است!

پی‌نویس‌ها:

- ۱ - طبق تاریخ قدیم روسی انقلاب در ۲۵ اکتبر آغاز شد ، که برابر هفتم نوامبر در تقویم جدید است.
- ۲- لنین " بمناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر " مجموعه آثار، جلد ۳۳ ، ص. ۳۴-۳۵ ، ۱۹۲۱
- ۳- استالین " دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویکی) "مجموعه آثار، جلد ۵. ص. ۳۳، ۱۹۲۱،
- ۴- مارکس " نقد فلسفه حقوق هگل " مجموعه آثار، ص. ۱۸۸۴، ۲۷۸
- ۵ - لنین " بمناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر " مجموعه آثار، جلد ۳۳، ص. ۳۳ ، ۱۹۲۱
- ۶ - استالین " تاریخ حزب کمونیست شوروی (بلشویکی) "مجموعه آثار، جلد ۱۵، ص. ۲۶۶، ۱۹۳۸

Bolschewistische Partei (Nordkurdistan/Türkei) – BP (KK/T)

mail@bolsevikparti.org * www.bolsevikparti.org

Initiative für den Aufbau einer Revolutionär-kommunistischen Partei
Österreich – IA*RKP

ia.rkp2017@yahoo.com * www.iarkp.wordpress.com

Kommunistische Aktion-Marxistisch-Leninistisch Österreich –
KOMAK – ML

komakml@gmail.com

Trotz alledem! (Deutschland) – TA

trotzalledem1.ml